

من به تو نخندیدم!



دخترک کلاس اول است.
امروز سر کلاس، آدا بازی می کردند.
دخترک می خواست جواب بدهد،
اما چیزی نگفت.

ظهر که شد، به خانه برگشت.
با صدای آرام گفت: «سلام...»
مامان گفت: «سلام دخترم! ناراحتی؟»
دخترک گفت: «من توی آدا بازی اصلاً
جواب ندادم.»



مامان پرسید: «جواب را می دانستی؟»
دخترک گفت: «می دانستم، اما فکر
کردم اشتباه است.»
مامان گفت: «اگر جواب اشتباه بدهی،
چه می شود؟»
دخترک گفت: «شاید بچه ها به من
بخندند!»





مامان گفت: «آهان! آن وقت ناراحت می شوی. بیا با هم سؤال بازی کنیم.»
دخترک با خوشحالی گفت: «باشه.»
مامان گفت: «هر چه دوست داری از من پرس.»
دخترک پرسید: «ماکارونی با چی درست می شود؟»
مامان جواب داد: «با برنج و هویج!»

دخترک گفت: «نه اشتباه است! با ماکارونی و رب گوجه!»
مامان گفت: «حالا من می پرسم. وقتی تشنه ایم، چی می خوریم؟»
دخترک با خنده جواب داد: «چای شیرین!»
مامان با خنده گفت: «نه، اشتباه است! آب می خوریم.»
مامان گفت: «حالا بگو ببینم جواب مامان خنده دار بود یا خود مامان؟»



دخترک گفت: «من به جواب تو خندیدم مامان!»
مامان گفت: «من هم از جواب تو کمی خنده ام گرفت دخترم!»
دخترک گفت: «ما داشتیم بازی می کردیم. من ناراحت نشدم. باز هم بازی کنیم.»
مامان لبخند زد و گفت: «قبوله!»